



حقوق مردم

در اندیشه سیاسی امام خمینی

با توجه به نکته فوق و نقش اصلی مردم ایران در پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی ایران، بسیار طبیعی است که در نظام جدید حقوق و مطالبات مردم مورد توجه قرار گیرد و پایه و اساس جمهوری اسلامی ایران باشد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این نکته توجه شده و تمام ارکان حکومتی اعم از رهبری، ریاست جمهوری، نمایندگان مجلس، اعضای شوراهای رئیس قوه قضائیه، وزراء، شهرداران و... با انتخاب مستقیم یا غیرمستقیم مردم شکل می‌گیرد و با نظر آنان نظام جدید تبلور می‌یابد. تمام مسایل فوق مربوط به حق انتخاب است که بیشتر شکل سیاسی دارد، در حالی که مردم علاوه بر این، حقوق دیگری هم دارند که باید مورد توجه قرار گیرد.

انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر سه عامل اصلی به پیروزی رسید و توانست یک رژیم قدرتمند نظامی را که متنکی بر حمایت‌های بین المللی و بهویژه دو ابرقدرت غرب و شرق بود، به زیر بکشد. این سه عامل شامل ایدئولوژی اسلامی، مردم و رهبری بود که ترکیب آن‌ها باعث به وجود آمدن مهم‌ترین پدیده سیاسی قرن بیست و یکم شد. نقش مردم در پیروزی انقلاب با بررسی‌های دقیق‌تر نمود بیشتری نسبت به دو عامل دیگر دارد، زیرا در مقطع خردادماه ۱۳۴۲ که شروع نهضت اسلامی است، رهبری و ایدئولوژی اسلامی وجود داشت اما هنوز مردم به صورت کامل به نهضت نپیوسته بودند و آگاهی بخشی امام توده‌ای نشده بود و به همین دلیل نهضت با شکست مواجه شد و امام خمینی دستگیر و تبعید گردید.

انقلاب اسلامی به طور واضح در بیانات و عملکرد ایشان دیده می شد و در لحظات مهم و حساس مورد تأکید قرار می گرفت. اوج این تأکید در زمان صدور فرمان هشت ماده‌ای است که بعد از حدود چهار سال حکومت و تجربه اندازی در زمینه دولت‌داری و مواجه با چالش‌های روپرواز قبلی جنگ تحمیلی، تروریسم گسترده و توطئه‌های گوناگون داخلی و خارجی حاصل می‌شود.

چالش‌های مذکور که از بزرگ‌ترین خطرات برای نظام نوپای ایران به حساب می‌آمد، به طور ناخواسته خشونت‌هایی را به نظام جمهوری اسلامی ایران تحمیل کرد تا جایی که دغدغه عدم رعایت حقوق مردم در منظر عمومی قرار گرفت. فشارهای ناشی از جنگ تحمیلی و جنایات بی‌سابقه منافقان در ترور و نفوذ در میان ارگان‌ها مقابله‌ای را تحمیل می‌کرد که خود به خود و به طور خودناآگاه در شأن نظام جدید نبود و به این دلیل با درک این مسئله امام خمینی فرمان هشت ماده‌ای را صادر کرد که این نقطه ضعف حکومت را از بین ببرد.

مخاطب فرمان هشت ماده‌ای امام در درجه اول قوه قضائیه و سپس ارگان‌های اجرایی، نظامی و امنیتی است. ایشان در ابتدا به تهییه قوانین شرعی و قوانین قضایی که مورد ابتلای عمومی است تأکید می‌کند و رسیدگی به صلاحیت قضات و دادستان‌ها و دادگاهها را مورد توجه قرار می‌دهد تا حقوق مردم ضایع نشود.

امام خمینی سپس می‌گوید: «رسیدگی به صلاحیت سایر کارمندان و متصدیان امور، با بی‌طرفی کامل بدون مسامحه و بدون اشکال تراشی‌های جاهلانه که گاهی از تندروها نقل

از جمله این حقوق، حقوق شهروندی، حق انتخاب شغل، حق انتخاب محل سکونت، حق داشتن کرامت انسانی، حق انتقاد، حق آزادی بیان و قلم، حق احترام به حریم خصوصی، رعایت حقوق زنان، حقوق تساوی در مقابل قانون، حق تعیین سرنوشت، حق آزادی فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و برخورداری از امکانات رفاهی، بهداشت و آموزشی، حق برخورداری از احساس امنیت اجتماعی، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مسؤولیت‌های مهم سیاسی، حق داشتن محیط زیست سالم و... در یک کلمه حق الناس می‌باشد که در انقلاب مشروطیت نیز مورد توجه قرار گرفته بود.

در اندیشه سیاسی اسلام حقوق مردم و به عبارت دیگر، حق الناس تا جایی اهمیت پیدا کرده است که حتی بر حق... نیز برتری دارد، زیرا خداوند متعال قصور در انجام عبادات را می‌بخشد ولی از حقوق مردم بدون رضایت آنان نمی‌گذرد و گذشت صاحب حق را برای گذشت خویش شرط می‌داند. نقش سیاسی امام خمینی که برگرفته از دین مبین اسلام است، بر مبنای رعایت حقوق مردم و توجه به حق الناس شکل گرفته و حساسیت بالای ایشان را نسبت به این موضوع نشان می‌دهد. توجه امام به رعایت حقوق مردم تا جایی است که ایشان بقای نظام جمهوری اسلامی ایران را منوط به حفظ حقوق مردم می‌داند و عدم توجه به آن را بزرگ‌ترین آسیب و خطر برای انقلاب و نظام تلقی می‌کند تا جایی که این خطر را عامل سقوط نظام به حساب می‌آورد.

این تفکر امام خمینی از قبل و بعد از پیروزی

از تندروی‌هایی که در ابتدای انقلاب صورت گرفت، مصادره غیرشرعی و غیرقانونی اموال افراد بود که به اتهام طاغوتی یا ضدانقلاب بودن انجام می‌گرفت. این روش تا جایی پیش رفت که حتی بعضی از روحانیون طرفدار انقلاب را نیز به انتقاد واداشت. امام خمینی برای رفع این نقیصه در بند ۵ فرمان هشت ماده‌ای چنین آورد:

«هیچ کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیرمنقول و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقيف و مصادره نماید مگر به حکم حاکم شرع، آن هم پس از بررسی دقیق و ثبوت حکم از نظر شرعی»^(۱)

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد جنایات و ترورهای سازمان مجاهدین خلق که تعداد زیادی از مسؤولان و مردم را شامل می‌شد و همچنین نفوذ اطلاعاتی آنان در دستگاه‌های مختلف، باعث ایجاد جو ناامنی و شک و تردید در میان انقلابیون شده بود، به گونه‌ای که از اعتماد در میان برادران و خواهران کاسته شده و هیچکس نمی‌توانست به طور کامل به فرد دیگری که از قبل او را نمی‌شناخته، اعتماد کند. این جو ناامنی باعث بعضی اقدامات امنیتی غیرانسانی از جانب دستگاه‌های ذبریط شده بود که حقوق مردم را خدشه دار می‌کرد و جو بسیار بدی را در جامعه ایجاد کرده بود. امام خمینی برای مقابله با این پدیده نامطلوب بند ۶ فرمان هشت ماده‌ای را به این موضوع اختصاص داد و چنین نوشت:

«هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن‌ها وارد شود یا کسی را جلب کند، یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی

می‌شود، صورت گیرد تا در حالی که اشخاص فاسد و مفسد تصفیه می‌شوند، اشخاص مفید و مؤثر با اشکالات واهی کنار گذاشته نشوند. میزان حال فعلی اشخاص است با غمض عین از بعضی لغزش‌هایی که در رژیم سابق داشته‌اند، مگر آن که با قرایین صحیح معلوم شود که فعلاً نیز کارشکن و مفسدند»^(۱)

این بخش از فرمان بهدلیل تندروی‌هایی بود که در گزینش ادارات دولتی و سایر ارگان‌ها انجام می‌شد و نارضایتی بیش از حدی را ایجاد می‌کرد. امام خمینی در بخش سوم از فرمان هشت ماده‌ای به عمل به عدل اسلامی در قوه قضائیه اشاره کرده و تأکید می‌کند عمل به عدل اسلامی مخصوص به قوه قضائیه و متعلقات آن نیست، که در سایر ارگان‌های نظام جمهوری اسلامی از مجلس و دولت و متعلقات آن و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها و سپیج و دیگر متصدیان امور نیز به طور جدی مطرح است و احدی حق ندارد با مردم رفتار غیراسلامی داشته باشد. امام در این بند می‌گوید باید ملت از صحت قضا و ابلاغ و اجرا و احضار، احساس آرامش قضایی نمایند و احساس کنند که در سایه احکام عدل اسلامی جان و مال و حیثیت آنان در امان است»^(۱)

در بند چهارم فرمان، امام خمینی هم چنان به حقوق قضایی مردم تأکید می‌کند و می‌گوید: «هیچ کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعاً باید باشد توقيف کند و یا احضار نماید، هرچند مدت توقيف کم باشد. توقيف یا احضار به عنف جرم است و موجب تعزیر شرعی است»^(۱)

نظام جمهوری اسلامی از روی خط و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آن جا با آلات لهو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدره برخورد کردند، حق ندارند آن را پیش دیگران افشاء کنند، چرا که اشاعه فحشا از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است و هیچ کس حق ندارد هتك حرمت مسلمان و تهدی از ضوابط شرعیه نماید. فقط باید به وظیفه نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است عمل نمایند و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صحابان خانه و ساکنان آن را ندارند و تهدی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاضا می‌باشد.» (۱) ایشان در ادامه موضوع قاچاقچیان مواد مخدر و توزیع کنندگان آن را از مسئله قبل جدا نموده و در مورد آنان می‌گوید:

«اما کسانی که معلوم شود شغل آنان جمع مواد مخدره و پخش بین مردم است، در حکم مفسد فی الارض و مصدق ساعی در ارض برای فساد و هلاک حرث و نسل است و باید علاوه بر ضبط آنچه از این قبیل موجود است آنان را به مقامات قضایی معرفی کنند.» (۱)

نکته جالب این که امام خمینی در ادامه این بند باز هم بر امنیت قضایی مردم و رعایت حقوق آنان تأکید می‌کند و حفظ حرمت زندگی خصوصی افراد را به قضايان توصیه می‌کند. ایشان در این مورد چنین می‌گوید:

«و هم چنین هیچ کس از قضايان حق ندارند ابتداً حکمی صادر نمایند که به وسیله آن مأموران اجرا اجازه داشته باشند به منازل یا محل‌های کار افراد وارد شوند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل

اهانت نموده و اعمال غیرانسانی اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هرچند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیرناماید یا اسراری که از غیربه او رسیده ولو برای یک نفر، فاش کند. تمام این‌ها جرم و گناه است و بعضی از آن‌ها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبایر بسیار بزرگ است و مرتکبین هریک از امور فوق، مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آن‌ها موجب حد شرعی می‌باشد.» (۱) امام خمینی در بند هفت، فرمان برخورد قاطع ولی با احتیاط را با ترویریست‌ها و براندازان نظام را که مفسد فی الارض و محارب با خدا و رسول می‌باشند، توصیه می‌کند و در عین حال رعایت ضوابط شرعی و موافق دستور دادستان‌ها و دادگاه‌ها را تأکید می‌کند و سپس، می‌گوید تهدی از حدود شرعی حتی نسبت به آنان نیز جایز نیست.

ایشان در این بند هم‌چنین می‌گوید: «مأمورین باید خارج از حدود مأموریت که آن هم منحصر است به محدوده سرکوبی آنان حسب ضوابط مقرر و جهات شرعیه، عملی انجام ندهند.» (۱) امام در بخش دیگری از این فرمان حفظ حرمت و آبروی افراد را مدنظر قرار می‌دهد و اشاعه گناهان مخفی دیگران را منع می‌کند و آن را اشاعه فحشا که از بزرگ‌ترین گناهان است، معرفی می‌کند.

امام خمینی در این زمینه و در ادامه بند ۷ فرمان هشت ماده‌ای چنین می‌گوید: «مؤکداً تذکر داده می‌شود که اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه

انقلاب و انقلابی بودن خدای نخواسته به کسی
ظلم شود و کارهای خلاف مقررات الهی و اخلاق
کریمه اسلامی از اشخاص بی توجه به معنویات
صدر شود.»

ایشان چنین ادامه می دهد:

«باید ملت از این پس که حال استقرار و سازندگی
است احساس آرامش و امنیت نمایند و آسوده خاطر
و مطمئن از همه جهات به کارهای خویش ادامه
دهند و اسلام بزرگ و دولت اسلامی را پشتیبان
خود بدانند و قوه قضاییه را در دادخواهی و اجرای
عدل و حدود اسلامی در خدمت خود ببینند و قوای
نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیتهها را
موجب آسایش و امنیت خود و کشور خود بدانند.»
فرمان هشت ماده ای امام در واقع تدوینگر
نحوه حکومت در آینده است و چگونگی حکمرانی
خوب را به نمایش می گذارد. حکمرانی و حکومتی
که تمامی حقوق مردم را در ابعاد مختلف تأمین
می کند و آسایش و آرامش جامعه را به دنبال دارد.
امید است در آینده و در فرسته های دیگر باز
هم به این مقوله مهم بپردازیم و کاوش بیشتری
در این زمینه با اهمیت داشته باشیم.

دکتر سید محمد صدر

منابع

۱. صحیفه امام، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام
خمینی، ۱۳۹۳: ۱۷: ۱۳۷۸.

توطئه های دیگر علیه نظام جمهوری اسلامی، که
صدر کننده و اجرا کننده چنین حکمی مورد تعقیب
قانونی و شرعی است.» (۱)

امام خمینی سپس و در بند ۸ فرمان هشت
ماده ای برای جبران بعضی از خطاها و ظلم هایی
که به مردم شده است، رئیس دیوان عالی کشور
و جانب آقای نخست وزیر را موظف به تعیین
هیئت هایی می کند تا ملت، شکایات خود را در
مورد تجاوز و تعدی مأمورین اجرا به آن جا ببرند و
آنان گزارش خود را به دو مقام بالا منعکس نمایند
تا آنان مت جاوزین را موافق با حدود و تعزیرات
شرعی مجازات کنند.

در بخش آخر فرمان هشت ماده ای در واقع امام
تکلیف مردم و حکومت را روشن می کند و نحوه
ادامه حکمرانی را که می توان آن را حکمرانی
خوب نامید، بیان می کند. در حکمرانی خوب قانون
حاکم است و مردم از تمام حقوق مادی و معنوی
برخوردار هستند و زندگی را در آسایش و آرامش
کامل سپری می کنند. امام خمینی در این زمینه

چنین فرمان می دهد:

«باید همه بدانیم که پس از استقرار حاکمیت
اسلام و ثبات و قدرت نظام جمهوری اسلامی با
تأیید و عنایات خداوند قادر کریم و توجه حضرت
خاتم الاصحیا و بقیه الله ارواحنا مقدمه الفداء و
پشتیبانی بی نظیر ملت متعهد ارجمند از نظام و
حکومت، قابل قبول و تحمل نیست که به اسم